



ایران تصمیمی درباره ساخت سلاح هسته‌ای نگرفته است

مشاور امنیت ملی کاخ سفید جیک سالیوان روز جمعه در جریان سخنرانی در یک نشست امنیتی در کلرادو، تصریح کرد: «من تصمیمی از سوی ایران برای حرکت» به شیوه‌ای که نشان دهد در حال حاضر واقعاً تصمیم به تولید بمب اتم دارد، مشاهده نکرده‌ام. طبق گزارش خبرگزاری آمریکایی «آسوشیتدپرس»، سالیوان به خبرنگاران در نشست امنیتی اسپین گفت: «اگر آن‌ها (ایران) از این مسیر جلو بزنند، واقعاً با آمریکا به مشکل برمی‌خورند.» بر خلاف اظهارات سالیوان، وزیر خارجه آمریکا، آنتونی بلینکن روز گذشته مدعی شد: «آن‌چه در هفته‌ها و ماه‌های گذشته شاهد بودیم، این است که ایران واقعاً در زمینه توسعه مواد شکافت‌پذیر پیش می‌رود.» وی، خروج ترامپ از برنامه را عامل پیشرفت هسته‌ای ایران دانست و گفت: «به جای آن‌که دست‌کم یک‌سال با قابلیت گریز هسته‌ای به منظور تولید مواد شکافت‌پذیر برای یک سلاح هسته‌ای فاصله داشته باشند، احتمالاً یک یا دو هفته از چنین چیزی فاصله دارند.» بلینکن ادامه داد: «در حال حاضر، آن‌ها سلاحی تولید نکرده‌اند. اما این‌ها یعنی مواد شکافت‌پذیر وسیله انفجاری را کنار هم بگذارند، سلاح هسته‌ای خواهند داشت.» وزیر خارجه آمریکا سپس تصریح کرد که واشنگتن «بسیار بسیار با دقت» هرگونه تلاش ایران برای تولید بمب را تحت نظر دارد.



ایران نقشی در عملیات پهبادی یمن نداشت

نصرالدین عامر، سخنگوی انصارالله یمن ساعاتی پس از حمله پهبادی ارتش یمن به تل‌اویو در روز جمعه به ادعاها درباره نقش ایران در این حمله پاسخ داد و تأکید کرد جمهوری اسلامی ایران هیچ نقشی در تصمیم‌گیری برای انجام این عملیات نداشته است. به گزارش ایسنا، این اظهارات پس از آن بیان شد که یک پهباد در نزدیکی نمایندگی سفارت آمریکا در تل‌اویو منفجر شد که در نتیجه آن یک نفر کشته و چندین نفر زخمی شدند و ساختمان‌های مجاور نیز آسیب دیدند. اما نصرالدین عامر گفت این پهباد به فناوری‌هایی مجهز است که تشخیص آن را دشوار می‌کند.



گزارش معاون دیپلماسی اقتصادی به مجلس

ابراهیم رضایی در توضیح جلسه‌شنبه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در مشهد مقدس گفت: «کمیسیون امنیت ملی میزبان آقای صفری معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه بود که به ارائه گزارشی از حوزه کاری و مأموریتی خود و فعالیت‌های انجام‌شده در این حوزه پرداخت.» وی توضیح داد: «هدف کلی ترسیمی از اقدامات این معاونت در رسیدن به استقلال اقتصادی کشور، رفع نیازهای اقتصادی، ارزآوری و تحقق اقتصاد مقاومتی بود؛ ایشان گزارشی از اقدامات صورت‌گرفته در حوزه‌های ترانزیت و حمل‌ونقل، صدور خدمات فنی و مهندسی، انتقال تکنولوژی، سوآپ گاز و برق و واردات و صادرات محصولات دانش‌بنیان و کریدورها و همچنین تسهیل مبادلات مالی و ارزی و توسعه زیرساخت‌ها برای حمل‌ونقل و تجارت ارائه کرد.» رضایی ادامه داد: «طبق گزارش ارائه‌شده در حوزه ترانزیت و حمل‌ونقل، محورهای کریدور شمال-جنوب از طریق سرخس و اینچه‌برون اعم از ریلی و جاده‌ای فعال شده که حجم ترانزیت آن در سال ۱۴۰۱ به ۹/۲ میلیون تن و در سال ۱۴۰۲ به ۱۷/۵ میلیون تن رسیده است.»

انگلیس، میرزاتقی‌خان ورای هرگونه قیاسی، معروف‌ترین و مهمترین فرد در میان نمایندگان چهار دولت بود که در کنفرانس ارزوم گرد آمده بودند. مأمورین دولت‌های چهارگانه ایران و عثمانی و نمایندگان دولت انگلیس کلنل ویلیامز، مارژ فرانت و ربرت کرزنو نماینده دولت روس کلنل دینس در ارزوم گرد هم آمدند و مذاکرات این کمیسیون در هجده جلسه و بیش از سه سال به طول انجامید و موافقتی در تعیین حدود میان مأمورین ایران و عثمانی حاصل نشد و عاقبت مقرر گردید عهدنامه جدیدی منعقد شود.

این بود که بعد از مذاکرات طولانی در تاریخ ۱۶ جمادی‌الثانیه ۱۲۶۳ برابر با ۳۱ می ۱۸۴۷ بندهای نه‌گانه دومین عهدنامه ارزوم مابین محمدشاه و سلطان عبدالحمید توسط میرزاتقی‌خان وزیر نظام و انور افندی به امضا رسید.

اهمیت قرارداد ارزوم

مذاکرات ارزوم آخرین دوره تحول تاریخی روابط ایران و عثمانی است. این مذاکرات در تاریخ روابط ایران و عثمانی پر معنا و با اهمیت است، زیرا از یک‌سو، مجموع اختلاف‌های قرون گذشته دو کشور در پیمان ارزوم نمایان شد، از سوی دیگر آن عهدنامه پایه روابط جدید دو دولت را، حتی تا زمان به‌وجود آمدن دولت عراق پس از جنگ جهانی اول، بنیان گذارد. روس و انگلیس پس از زحمات چندین ساله کمیسیون می‌خواستند از این مذاکرات نتیجه بگیرند برای انعقاد قرارداد فشار می‌آوردند اما دولت ایران موافق بند اول عهدنامه مبنی بر ترک دعاوی ایران بر سلیمانیه نبود و از طرف دیگر دولت عثمانی اظهار می‌کرد که فصول عهدنامه محتاج به توضیحات است و بدون توضیحات عهدنامه را امضاء نمی‌کند. اما در نهایت دو طرف به مصالحه تن دادند و قرارداد امضا شد.

طبق این عهدنامه، مناطق مورد اختلاف میان دو دولت میان آنها تقسیم شد. اما به دلیل غیرواقع بودن، انجام این اقدام تا سال ۱۹۱۴ به طول انجامید. به موجب عهدنامه دوم ارزوم دولت ایران پذیرفت که از ادعای خود در رابطه با مناطق غربی زهاب (مندلی، نفتخانه و خاتقین) دست برداشته و نیز حاکمیت عثمانی را بر سلیمانیه به رسمیت بشناسد و نسبت به آن ادعایی نداشته باشد. همچنین عثمانی نیز تعهد کرد حق کشتیرانی ایران بر اروندرود را به رسمیت بشناسد. علاوه بر این بنا شد که حدود مرزی دو کشور تعیین شود ولی با وجود برگزاری سه نشست توافق‌ی به عمل نیامد. صورت‌مجلس‌ها و گزارش‌های نماینده انگلیس در مذاکرات ارزوم و سفیر آن دولت در اسلامبول نشان می‌دهد که وزیر نظام موقع‌شناس بود، بسیار سنجیده سخن می‌گفت و در مذاکرات شیوه‌ای بسیار ماهرانه داشت. می‌دانست کجا باید دست بالا را بگیرد، و کجا کوتاه بیاید، کجا استوار باشد و تسدی نماید، و کجا باید گذشت کند و نرمی به خرج دهد. پی برده بود در چه اموری روس و انگلیس با هم سازش نموده‌اند، و در چه موارد سیاست‌شان همسان نیست. مهمترین ایستادگی میرزاتقی‌خان در ماجرای حاکمیت ایران بر اروندرود و خرمشهر بود.

بریتانیا نیز که در خفا از ادعای عثمانی حمایت می‌کرد تلاش داشت حاکمیت ایران بر اروندرود را متزلزل کند اما امیرکبیر با درایت توانست از این حق ایران دفاع و آن را تثبیت کند. انور افندی نماینده عثمانی یکسره منکر حقوق ایران بود و به‌تندی می‌گفت: خرمشهر جزء خاک عثمانی است و ایران بر آن هیچ حقی ندارد. امیرنظام بالاخره در یکی از دفعات یادآور شد که قصد دارد درباره حقوق ایران در مورد قارص، یازید، وان و سلیمانیه هم مدارکی ارائه دهد، چراکه این‌ها از توابع خوبی یا جزء کردستان ایران یا از توابع کرمانشاهان‌اند و مدارک این را تأیید می‌کند. امیرنظام خوب می‌دانست که نخواهد توانست این شهرها را که بارها بین ایران و عثمانی دست‌به‌دست شده بود، از چنگ عثمانی خارج کند، ولی او نقشه‌ای داشت. وقتی مباحث اوج گرفت و خوب عصبانیت‌ها آشکار شد، به آرامی نامه‌ای از جیب خود درآورد که سلطان محمود ثانی آن را برای علی‌رضاپاشا، حاکم سابق بغداد، نوشته بود و در آن تصریح کرده بود «خرمشهر مال ایران است، فوراً آن را به آن دولت برگردانید و بعد از این سعی کنید چنین اموری که منافی عهدنامه و شروط موجود است، صورت نگیرد.» سرانجام کنفرانس حقوق ایران را بر خرمشهر بازشناخت؛ علاوه‌بر آن کانال حفار و جزیره آبادان را متعلق به ایران دانست و حقوق ایران را بر ساحل چپ اروندرود، با تأکید بر آزادی کشتی‌رانی در این شط، به رسمیت شناخت. از آن زمان تا امروز، حکومت‌های ایران در مقابله با قدرت‌های بیگانه بارها سند کنفرانس ارزوم را به‌عنوان مدرک قوی روی میز مجامع بین‌المللی نهاده و به آن استناد کرده‌اند. این قرارداد در مذاکرات تعیین حدود مرزی دوره رضاشاه با ترکیه نیز مبنای توافق طرفین قرار گرفت و مبنای روابط دو کشور همسایه شد.

کند. دولت ایران میرزاتقی‌خان وزیر نظام که بعدها امیرکبیر لقب یافت را به نمایندگی اعزام کرد. محمدشاه قاجار در فرمان اعزام میرزا تقی‌خان نوشت: «آنکه عالی‌جاه رفیع جایگاه، عزت و فخامت همراه، مجدت و شهامت اکتناه، درایت و فطانت انتباه، اخلاص واردات آگاه، مقرب‌الخاقان، میرزاتقی‌وزیر نظام به توجهات خاطر عطوفت مظاهر اقدس همایون شاهنشاهی مفتخر و مباهمی بوده بدانند که: چون در این اوقات اولیای دولتین بهتین روس و انگلیس به مقتضای مراتب خیر خواهی و صلاح‌اندیشی سعی و اهتمام تمام دارند که فیما بین دولتین علّیتین ایران و روم اسباب التیام و مسالمت و مصالحت فراهم آورده، به دفع و رفع عوامل بین‌الدولتین پردازند و وکیلی از جانب خود و دولت علیه روم روانه ارزوم نمایند که در آنجا با وکیل این دولت علیه اجلاس و گفت‌وگو کرده، موافق قانون انصاف قراری در باب مطالب و حقوق ثابت این دولت علیه گذارند.

از آنجاکه آن عالی‌جاه از تربیت‌یافتگان و عمده چاکران دربار فلک‌مدار، و به مزید شایستگی و استعداد و کفایتی چند که در خدمات دولت قوی بنیاد از او به ظهور رسیده، محل وثوق و اعتماد خاطر آفتاب مظاهر اقدس شهریاری از حسن درایت و کفایت و کاردانی آمده، در این وقت که وکلای دولتین فخیمتین روم و روس و انگلیس در سرحد حاضر و مجتمع گشته‌اند، آن عالی‌جاه را نیز از جانب سنی‌الجوانب همایون، وکیل و مأمور فرمودیم که به محض زیارت این مبارک منشور قضا دستور، روانه ارزوم گشته، با وکلای دول ثلاثه ملاقات حاصل و از قراری که، اولیای دولت قاهره به آن عالی‌جاه، دستورالعمل داده‌اند مطالب دولت علیه را صورت انجام داده، معاودت نماید و در عهده شناسد.» محمدشاه در فرمان دیگری دستورالعمل مذاکره را اینگونه به میرزاتقی‌خان ابلاغ کرد: «فقره اول: هر چند شاهزادگان قراری موافق عهدنامه باید رد شوند، ولی به توسط اولیای دولتین فخیمتین قرار به این شد که اگر دولت علیه عثمانی متعهد منع فساد آنها شود دولت بهیه ایران راضی خواهد که آنها از سرحد دور و به وسط مملکت روم فرستاده شوند، و اگر متعهد نشوند بعد از آن از دولتین فخیمتین خود ضامن شوند، والا امنای دولت بهیه ایران راضی نخواهند شد، تا فراریان رد نشوند.

فقره دوم: مأمورین جانبین حدود طرفین را مشخص خواهند کرد.

فقره سوم: ایلات و اکراد و سایر عشایر که به خاک یکدیگر رفته‌اند، باید از طرفین رد شود، و به جهت اتمام این امر باید اسامی ایلات طرفین مشخص شود.

فقره چهارم: عهدنامه تجارتي و قدار گمرک که در زمان سابق مقرر شده به اعتبار قدیم باقی خواهد ماند و تجار دولت بهیه ایران گمرک مال التجاره خود را از قرار صدوچهار باید از نرخ بازار یا نقداً یا جنساً موافق دلخواه خود بدهند.

فقره پنجم: دولت بهیه ایران با وجود اینکه سلیمانیه را ملک خود می‌داند، راضی است که از عهده خسارتی که محمودپاشا به کسان دولت علیه عثمانی رسانیده باشد، برآید و چنانچه دولت علیه عثمانی بنا بر صلاحدید دو دولت قوی‌مکنت از مطالبه خسارتی که به کسان آن دولت رسانیده باشد، دست بردارد، دولت بهیه ایران هم با وجود اینکه خسارت اردوی والی، کلی و خیلی زیادت از خسارت آن طرف است، از مطالبه آن دست خواهد برداشت. و چون دولت بهیه ایران بنا بر خواهش دو دولت قوی شوکت، والی کردستان را احضار و به این واسطه دولت علیه عثمانی را رضایت و کفایت ارباب خصومت محمودپاشا نسبت به کسان آن دولت داده، از این قرار باید جمیع حرفها در خصوص سلیمانیه طی و رفع گردد.

فقره ششم: در باب خسارت خرمشهر و میررواندوز اورمان و سایر، و همچنین وجه عاریه بیلاقیه، دولت بهیه ایران راضی می‌باشند که دولت علیه عثمانیه ملکاً یا به چیز دیگر که به قدر همان ضرری که رسانیده‌اند عوض بدهد.

فقره هفتم: دولت بهیه ایران مضایقه ندارد. جمیع فقرات که در مجلس ارزوم‌الروم فصل دهند، همه را به قرارنامه علی‌حده که یا صورت شرط‌نامه و یا صورت عهدنامه داشته باشد، درآید.

فقره هشتم: در باب مقدمه قضیه هایلله کربلای معلی که برای اهالی ایران زیادت از دین مطلبی نمی‌باشد، امنای دولت بهیه ایرانیه مطالبه حقوق عظیمه را خواهند کرد و اگر قفل کربلای معلی در صیانت‌داران اولیای دولت علیه عثمانیه به امنای دولت بهیه ایران صورت نگیرد، همه این مکالمات که در طی این همایون منشور مندرج است، از درجه اعتبار ساقط خواهد شد. می‌باید آن عالی‌جاه این همایون منشور قضا دستور را اختیارنامه خود دانسته به نحوی که به آن عالی‌جاه امر و مقرر شده است معمول و مرتب دارد و در عهده شناسد.»

به گفته رابرت کرزن، منشی مخصوص سفیر

سلطان مراد چهارم غرب ایران را مورد تجاوز قرار داد و در سال ۱۶۳۵ از طریق ارزوم به ایروان حمله کرد و آنجا را گرفت، در سال ۱۶۳۸ نیز به بغداد حمله کرد و با وجود مقاومت چهل روزه پادگان ایرانی، بغداد را تصرف کرد و دستور داد باقیمانده سپاهیان ایران و مردم غیرنظامی را قتل عام کنند.

پس از فتح بغداد توسط ارتش عثمانی، شاه صفی تقاضای صلح کرد که با قبول دولت عثمانی معاهده قصرشیرین میان او و سلطان مراد چهارم در سال ۱۰۴۹ هجری قمری برابر با ۱۶۳۹ میلادی بسته شد. به موجب این قرارداد عراق به عثمانی واگذار شد و از آن تاریخ جز مدت ۳ سال که صادق‌خان برادر کریم‌خان زند بصره را در تصرف داشت، تا جنگ جهانی اول و فروپاشی عثمانی سلطه دولت عثمانی بر عراق ادامه داشت. قرارداد قصرشیرین با عهدنامه زهاب برای اولین بار از حدود مناطق مرزی دو کشور صحبت به میان آمد هر چند مرز دو کشور به‌طور دقیق مشخص نشد. قرارداد قصرشیرین از زمان بسته شدن تا حدود هشتاد سال، مورد استناد و پذیرش ایران و عثمانی بوده‌است اما اصل سند آن در آرشیوهای ایران و عثمانی موجود نیست. هر کدام از منابع نیز به‌طور جداگانه و با تفاوت‌های بسیار آن را نقل کرده‌اند. نویسنده رساله تحقیقات سرحدیه مهندس‌باشی مشیرالدوله، نوشته‌است «حقیقتاً اصل عهدنامه مزبوره که عبارت از تصدیق‌نامه دو پادشاه است، در هیچ‌یک از دولتین موجود نیست. در ایران به سبب فترت و عثمانیه به سبب حرفت، تلف شده‌است و مستندی که اکنون موجود است، عبارت از سوادنامه‌ای است که به قول عثمانی از سلطان مراد رابع به شاه صفی به طریق امضاء تصدیق‌نامه معاهده قلمی شده‌است.» عهدنامه قصرشیرین تا زمان سقوط دولت صفوی آرامش میان دو کشور را تضمین کرد اما با سقوط اصفهان به دست افغان‌ها دوباره عثمانی تجاوزات خود را آغاز کرد و توانست با تطمیع شاه تهماسب دوم که در قزوین و مازندران مدعی ماترک سلطنت صفوی و آواره بود قراردادی را به او تحمیل و قفقاز را اشغال کند اما نادرقلی میرزا و نادرشاه بعدی حاضر به پذیرش این قرارداد نشد و با تصرف مجدد قفقاز عهدنامه استانبول را به عثمانی تحمیل کرد.

پس از مدتی از این عهدنامه، حکومت عثمانی درصدد پس‌گیری مناطق ازدست‌داده در عهدنامه استانبول برآمد اما نبرد دو طرف ثمری نداشت و به انعقاد قرارداد کردن منجر شد. این عهدنامه در نزدیکی شهر قزوین به امضا رسید و خط مرزی میان دو کشور به همان خط مرزی تعیین شده در عهدنامه قصرشیرین بازگشت. عثمانی حکومت افشاریان را به عنوان حاکم ایران به رسمیت شناخت و پذیرفت که به زائران ایرانی اجازه دهد که به مکه بروند و مذهب شیعه را به عنوان مذهب شرعی اسلام پذیرفت.

عهدنامه‌های ارزوم

با وجود آنکه عهدنامه قصرشیرین در سال ۱۶۳۹ مرز میان دو کشور را تعیین کرد و در قراردادهای دیگر مورد تأیید قرار گرفت اما وجود عشایر کوچنده در این مرزها و عدم تعیین دقیق حدود مرزی موجب شد تا مناطق کوهستانی قصر شیرین تا دو قرن محل درگیری‌های پی‌درپی میان دو کشور شود.

حملات عثمانی به شمال غربی ایران برای سرکوب قبایل شورشگر، پاسخ‌تلافی‌جویانه دولت ایران را در پی داشت. این اقدام باعث شد سلطان محمود دوم عثمانی در سال ۱۸۲۱ به ایران حمله کند. دولت قاجار که در پی شکست در جنگ‌های ایران و روسیه ارتش خود را با کمک افسران انگلیسی بازسازی کرده بود از این فرصت برای بازسازی اعتبار خود بهره گرفت. عثمانی با ارتشی قدرتمند و با وضعیت‌ی برتر نسبت به ارتش ایران حمله‌ای آغاز کرد اما ارتش عباس میرزا قاجار در نزدیکی وان شکست سختی بر ارتش عثمانی وارد آورد. عثمانی‌ها برای جبران این شکست سپاهی بزرگ آراستند و در ۱۸۲۱ به ولایات غربی ایران حمله کردند و محمدعلی دولت‌شاه برادر عباس میرزا حاکم کرمانشاه به دفاع برخاست و به سختی سپاهیان عثمانی را شکست داد و پس از فتح شهر زور و سلیمانیه عازم بغداد شد اما در نزدیکی طاق کسری بیمار شده و درگذشت اما دستاورد او در این جنگ منجر به انعقاد عهدنامه نخست ارزوم در سال ۱۸۲۳ شد.

بعد از این عهدنامه تا اواخر سلطنت محمدشاه گفت‌وگوی مهمی درباره مرزهای دوکشور انجام نشد تا زمانی که دولت ایران سرگرم محاصره هرات و تسخیر آنجا بود به‌واسطه غارت خرمشهر به دست علی‌رضا پاشا و ادعای وی مبنی بر تعلق آنجا به دولت عثمانی، گفت‌وگوی مرزی مابین دو کشور شروع شد و پس از آنکه نزدیک بود کار به جنگ منجر شود دولت‌های روس و انگلیس دخالت کرده قرار گذاشتند کمیسیونی مرکب از مأمورین ایران و عثمانی و روس و انگلیس در ارزوم منعقدشده دعای طرفین و ادعای پنج کشور استراتژی که دولت ایران از بابت خرمشهر مطالبه می‌کرد تسویه